

زنبورداری حلال از دیدگاه فقه اسلامی

مرتضی رحیمی*

- گروه علوم قرآنی و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز.

اطلاعات مقاله	چکیده
دریافت: ۱ بهمن ۱۴۰۱	سابقه و هدف: زنبورداری به عنوان یک شغل مفید و درآمدزا مورد توجه مذاهب فقهی اسلامی قرار گرفته و برای آن شروط و احکامی بیان شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی زنبورداری از دیدگاه مذاهب فقهی اسلامی است.
دآوری: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱	
پذیرش: ۱۱ بهمن ۱۴۰۱	
کلمات کلیدی:	
زنبورداری حلال	مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از قرآن و احادیث و متون فقهی مذاهب فقهی اسلامی انجام شده است.
عسل	
قرآن	
فقه اسلامی	
* نویسنده مسئول:	
مرتضی رحیمی	
گروه علوم قرآنی و فقه،	
دانشکده الهیات و معارف	
اسلامی، دانشگاه شیراز.	
پست الکترونیکی:	
mrahimi@shirazu.ac.ir	
تلفن/فکس: ۰۷۱-۳۶۲۸۱۰۰۰	
+۹۸	

۱- مقدمه
مذاهب فقهی اسلامی به زنبور عسل توجه زیادی کرده‌اند. در قرآن نیز سوره‌ای به نام «نحل» وجود دارد: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که خانه‌هایی از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند انتخاب کن.

با توجه به اهمیت عسل و خوراکی بودن آن و خواصی که دارد و نیز با توجه به دیگر فواید زنبور عسل، زنبورداری به عنوان یکی از شغل‌های درآمدزا مورد توجه بسیاری از مردم و کشورها قرار گرفته است. مذاهب فقهی اسلامی نیز زنبورداری را بسیار مورد توجه قرار داده‌اند، چنان که قشیری از فقهای شافعی با استناد به آیه «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا»^۲ مباح بودن عسل را منوط به آن نموده که زنبور عسل از چیزی که حلال است بخورد. وی در این باره گفته است: «هرگاه زنبور عسل کار را انجام دهد و از آنچه که حلال است بخورد، عسل وی پاکیزه بوده؛ خداوند آن را موجب شفاء قرار می‌دهد» (۱).

منوط بودن حلیت عسل به آن که زنبور عسل از شهد حلال استفاده کند از دیدگاه‌هایی است که کمتر فقیه‌هایی به آن اشاره نموده و می‌تواند برای صنعت زنبورداری مورد استفاده قرار گیرد زیرا زنبور عسل به طور آزادانه از شهد هر گیاهی که بخواهد، گرچه آن گیاه دارای مالک باشد، استفاده می‌کند. در منابع فقهی و آیات الاحکام به طور پراکنده درباره زنبورداری حلال نکاتی بیان شده است. همچنین مطالعاتی درباره زنبور عسل نگاشته شده‌اند که البته زاویه فقهی زنبور

با توجه به اهمیت عسل و خوراکی بودن آن و خواصی که دارد و نیز با توجه به دیگر فواید زنبور عسل، زنبورداری به عنوان یکی از شغل‌های درآمدزا مورد توجه بسیاری از مردم و کشورها قرار گرفته است. مذاهب فقهی اسلامی نیز زنبورداری را بسیار مورد توجه قرار داده‌اند، چنان که قشیری از فقهای شافعی با استناد به آیه «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا»^۲ مباح بودن عسل را منوط به آن نموده که زنبور عسل از چیزی که حلال است بخورد. وی در این باره گفته است: «هرگاه زنبور عسل کار را انجام دهد و از آنچه که حلال است بخورد، عسل وی پاکیزه بوده؛ خداوند آن را موجب شفاء قرار می‌دهد» (۱).

منوط بودن حلیت عسل به آن که زنبور عسل از شهد حلال استفاده کند از دیدگاه‌هایی است که کمتر فقیه‌هایی به آن اشاره نموده و می‌تواند برای صنعت زنبورداری مورد استفاده قرار گیرد زیرا زنبور عسل به طور آزادانه از شهد هر گیاهی که بخواهد، گرچه آن گیاه دارای مالک باشد، استفاده می‌کند. در منابع فقهی و آیات الاحکام به طور پراکنده درباره زنبورداری حلال نکاتی بیان شده است. همچنین مطالعاتی درباره زنبور عسل نگاشته شده‌اند که البته زاویه فقهی زنبور

This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) license.



حلال به معنای خاص یعنی مباح را نمی‌توان بر مکروه نیز مترتب نمود.

۳- مالیت زنبور عسل

دلایل چندی بر مال بودن زنبور عسل دلالت دارند که از جمله آنها عبارتند از:

۳-۱- آیات: آیات چندی بر مال بودن زنبور عسل دلالت دارند مثل «ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۴ سپس از تمام ثمرات تناول کن و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده به راحتی بپیمای، از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود به رنگ‌های مختلف که در آن شفای مردم است. در این امر نشانه روشنی است برای جمعیتی که اهل فکرند.

۳-۲- روایات: روایات چندی بر ارزشمندی زنبور عسل و مال بودن آن دلالت دارند. از جمله امام صادق (ع) فرموده‌اند: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) : لَعَقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ.» (۹۱) خوردن عسل درمان همه بیماری‌ها است. خداوند فرمود خارج می‌شود از شکم زنبور شرابی که رنگ‌های مختلفی دارد و در آن شفاء مردم است.

گرچه روایت مذکور و مانند آنها درباره عسل و ارزش آن سخن می‌گویند اما از آنجا که عسل توسط زنبور عسل تولید می‌شود می‌توان از آنها مال بودن زنبور عسل و بالتبع حلال بودن آن را نتیجه گرفت.

۴- اثرات عسل در سلامت

عسل به عنوان یکی از منافع و نتایج زنبور عسل فواید پزشکی زیادی دارد که مالیت آن را نتیجه می‌دهد از جمله:

الف- خواص ضد باکتریایی و آنتی‌بیوتیکی و همچنین خاصیت ضد التهابی

ب- گلوکز و فروکتوز عسل سریعاً جذب شده و به انرژی تبدیل می‌شوند.

ج- اعمال کبد را فعال کرده و در دفع سموم از کبد موثر است.

د- حرکات و ترشحات روده را بهبود می‌بخشد (۱۰).

از لحاظ علمی عسل تأثیر خیلی زیادی بر روی عضلات قلب و تحریک و تقویت آن دارد؛ عسل فشار خون را تنظیم و از

عسل را مورد بررسی قرار نداده است که از آن جمله می‌توان به مقاله «زنبور عسل» از خانم فاطمه وثوقی اشاره کرد (۲). از این رو، تحقیق پیش رو که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است در پی آن است که به پرسش‌هایی همچون «دلایل حلال بودن زنبورداری کدامند؟»، «شروط لازم برای تحقق زنبورداری حلال کدامند؟»، و موارد مشابه پاسخ گوید.

۲- مفهوم‌شناسی

کلمه «نحل» در لغت به معنای عطاء و بخشش (۳) و در اصطلاح به معنای زنبور عسل یا حشره‌ای است که سودمند است و از شکمش عسل بیرون می‌آید که به آن عسل نحل (عسل زنبور عسل) می‌گویند. مفرد آن نحله است و برای مذکر و مؤنث یکسان به کار می‌رود (۴). علت نامگذاری آن به نحل آن است که به مردم عسلی عطا می‌کند که از شکمش خارج می‌شود (۵). گرچه در آیه «أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا»^۳ و آیه پس از آن خصوصیت مؤنث برای آن به کار رفته است اما به گفته اخفش می‌توان آن را مذکر نیز گرفت (۶).

حلال کلمه‌ای عربی است که از ریشه حلّ یحلّ حلاً و حلواً و در موارد نادری از ریشه «حلل» (به فک ادغام) گرفته شده و به هر چیزی که روان، راحت، بدون گرفتاری، بدون مشکل و گره و نیز بدون ناراحتی و سختی باشد اطلاق می‌گردد (۷). حلال در اصطلاح به هر تناسب، اعتدال، صحت و سلامتی که در آن گره و گرفتاری و ناراحتی نباشد و مورد توجه و پذیرش نیز باشد اطلاق می‌گردد. با توجه به تعریف مزبور هرچه که شرع به اجتناب از آن امر نموده و هرچه که خداوند آن را پلید دانسته است حلال نخواهد بود. همچنین هر چیزی که عامل گرفتاری، بیماری، ظلم و نکبت باشد حلال نمی‌باشد. بر عکس، هر چیزی که مطابق طبع و شرع و عقل سلیم و عامل سعادت و سلامت باشد حلال خواهد بود (۸).

واژه «حلال» در دو معنای عام و خاص کاربرد دارد؛ حلال به معنای عام در مقابل حرام است؛ یعنی هر چیزی که حرام نیست حلال است. این معنا شامل چهار قسم واجب، مستحب، مباح و مکروه از اقسام پنج‌گانه حکم تکلیفی می‌باشد. اما حلال به معنای خاص در مقابل چهار قسم دیگر است که تنها شامل مباح می‌شود. لذا مکروه زیرمجموعه حلال به معنای عام است. در این صورت اگر حلال به معنای عام دارای آثاری باشد بر آن مترتب می‌شود. اما آثار و احکام

متعاقدین معلوم باشد به گونه‌ای که غرر در معامله و مجهول بودن منفعت منتفی باشد (۱۲).

۵- عوامل و شروط مؤثر در تحقق زنبورداری حلال

۵-۱- نفقه زنبور عسل و زنبورداری حلال

تأکید مذاهب فقهی اسلامی بر ضروری بودن نفقه زنبور عسل نشانگر آن است که توجه به نفقه و غذای زنبور عسل در تحقق زنبورداری حلال نقش بسزا دارد چنان که فقه امامیه هزینه و نفقه حیوانات از جمله زنبور عسل را بر صاحب آنها واجب دانسته است (۱۴، ۱۳) شیخ طوسی گفته است: «زمانی که انسان مالک حیوانی باشد نفقه حیوان بر او واجب است، خواه حیوان حلال گوشت باشد یا غیر آن و خواه پرنده باشد و یا غیر آن؛ زیرا حیوان برای خود دارای حرمت و احترام است» (۱۵).

بر همین اساس باید مقداری عسل را برای رفع نیاز زنبور در کندو باقی گذارند تا مثلاً در هنگام زمستان از آن استفاده کند و مستحب است که بیش از اندازه نیاز زنبور عسل در کندو باقی گذارند (۱۶) مگر آن که مقدار مازاد بر نیاز برای زنبورها زیان داشته باشد (۱۷). چنان که زنبور در هنگام زمستان به مقداری عسل برای تغذیه خود نیاز داشته باشد باقی گذاردن مقداری از عسل برای این منظور واجب خواهد بود (۱۸). بر همین اساس زنبورداران مجاز نیستند که به جای عسلی که برای زمستان زنبور عسل باید در کندو بگذارند به زنبور عسل شکر بدهند (۱۹).

شافعیه با وجود آن که به وجوب باقی گذاردن مقداری عسل در کندوی زنبور برای رفع نیاز آن تصریح نموده‌اند، ولی حکم زنبور را منوط به آن دانسته‌اند که خوردنی دیگر برای رفع نیاز زنبور کافی نباشد. از همین رو رافعی گفته مالک زنبور باید مرغ پخته‌ای را برای استفاده زنبور عسل در قسمت ورودی کندوی آن آویزان کند (۲۰).

۵-۲- حیات و زنبورداری حلال

حیات با زنبورداری حلال ارتباط دارد زیرا فردی که زنبور عسل را حیات می‌کند مالک آن می‌شود. از آنجا که کندودار مالک زنبوری می‌باشد که حیات نموده است لذا تصرف وی در مال خویش حلال خواهد بود. حیات عبارت است از تصرف و قرار دادن ید با مهیا نمودن وسایل تصرف و استیلاء بر چیزی (۱۷). بر این اساس هر کس که ملکه زنبورهای عسل را به قصد مالک شدن آن صید کند مالک آن ملکه و همه زنبورهایش خواهد شد (۱۶). گذشته بر حیات و قصد

سکته قلبی جلوگیری می‌نماید. ابن سینا درباره خواص عسل در کتاب معروف "قانون در طب" گفته است: "عسل دستگاه‌های درونی بدن را تقویت، نیرو را زیاد و اشتها را باز می‌کند. عسل جوانی را جاودان و حافظه را نیرو می‌بخشد. عسل در محو زخم‌های چرکین و ریشه‌دار موثر است و به درمان آنها کمک می‌کند، تاریکی دید را می‌زداید و بهترین درمان عفونت‌های لثه است. همچنین دردهای شکم، سرفه، مارگزیدگی، اختلالات تنفسی و دردهای مفصلی را تسکین می‌دهد" (۱۰).

۴-۱- فواید موم عسل

موم عسل فواید زیادی دارد که از جمله آنها می‌توان به کاربرد در شمع‌سازی و خواص دارویی اشاره کرد. این امر مالیت زنبور عسل و حلال بودن آن را تقویت و تأیید می‌کند.

۴-۲- فواید نیش زنبور عسل

استفاده از نیش زنبور عسل برای مداوای برخی از بیماری‌ها مالیت زنبور عسل و حلال بودن آن را نتیجه می‌دهد. از سویی از آنجا که زنبور عسل پس از نیش زدن می‌میرد این پرسش پیش می‌آید که آیا کشتن زنبور عسل برای معالجه بیماری جایز است یا خیر؟ برخی از فقهای مذاهب فقهی اهل سنت در پاسخ پرسش مزبور گفته‌اند با آن که از کشتن زنبور عسل نهی شده است اما اگر برای معالجه بیماری راهی جز کشتن زنبور عسل نباشد شرعاً کشتن زنبور عسل مانعی ندارد زیرا انسان می‌تواند همه حیوانات را برای اغراض و مقاصد مشروع همچون خوردن، معالجه و مانند آنها به کار بگیرد (۱۱).

۴-۳- فایده زنبور عسل در گرده افشانی

ارزش مالی زنبور در گرده افشانی قابل انکار نیست. از همین رو در کشورهایی مثل آمریکا، استرالیا و شوروی سابق فایده اقتصادی ناشی از گرده افشانی زنبور عسل به حدی زیاد است که زنبورداران این کشورها حتی تا ۵۰ درصد هزینه‌های خود را از طریق اجاره دادن کندوهای زنبور به صاحبان مزارع و باغات تأمین می‌کنند (۲). به همین سبب از نگاه فقه اسلامی اجاره کردن زنبور عسل و به طور کلی حیوانات برای استفاده از منافع آنها مجاز است. گاهی منفعت حیوان سوار شدن بر آن است و گاهی منافع دیگری از حیوان مورد نظر می‌باشد. از سویی حیوانات از جهت منافع گوناگون هستند، با این حال از نگاه عرف، منفعت حیوان در زمان اجاره باید برای

و میهمان خمس ندارد (۲۳). وجوب خمس زنبور عسل قول مشهور فقهای امامیه می‌باشد (۱۷).

از جمله فقهای که به خمس آور بودن عسل تصریح نموده‌اند می‌توان از ابن براج (۲۴)، ابن ادریس حلی (۲۵)، و علامه حلی (۲۶) نام برد.

با توجه به مواردی که خمس آور هستند عسل به عنوان «ارباح مکاسب» می‌تواند خمس آور باشد. در این صورت زیر عنوان روایاتی قرار می‌گیرد که بر وجوب خمس در مکاسب دلالت دارند. در غیر این صورت نمی‌توان تحت عناوین دیگر همچون «گنج» و مانند آن خمس آور بودن آن را توجیه نمود. عبارت ناصر جد سید مرتضی نشانگر آن است که ایشان عسل را تحت عنوان «فیء» واجب الخمس می‌داند زیرا گفته است: «در عسل کم یا زیاد آن خمس هست و چون آنها از جنس فیء هستند» (۲۷). بدیهی است که خمس آور بودن عسل به ویژه نوع غیر کوهی آن تحت عنوان «فیء» توجیهی ندارد. با وجود قول مشهور درباره خمس آور بودن عسل، سید مرتضی خمس عسل را واجب ندانسته و گفته است: «لا عشر عندنا فی العسل و لای خمس». وی درباره دیدگاه مزبور به دلایل چندی استناد نموده است از جمله: ۱- اجماع ۲- روایتی که در آن آمده است: «هنگامی که پیامبر (ص) معاذ را به یمن فرستاد به وی فرمود: لا تأخذ العشر إلا من أربعة: من الحنطة و الشعیر و الکرّم و النخل»، از این رو کسانی که خمس عسل را واجب دانسته‌اند، چه دلیلی دارند که در عسل حقی، همچون خمس و مانند آن وجود دارد؟ ۳- اصل آن است که در اموال حقی (چون خمس) وجود ندارد (۲۷).

۴-۵- پرداخت زکات زنبور عسل و زنبورداری حلال

پرداخت زکات زنبور عسل از یک سو بر مالیت آن دلالت دارد و از سوی دیگر نشان‌دهنده آن است که از نگاه برخی از مذاهب فقهی اسلامی پرداخت زکات زنبور عسل در تحقق زنبورداری حلال نقش بسزا دارد. از نگاه فقه امامیه زنبور عسل و عسل زکات ندارند (۲۸، ۲۹) زیرا مواردی که زکات واجب دارند به ۹ مورد محدود هستند که زنبور عسل و عسل هیچ یک از آنها نیستند. با این حال می‌توان زکات آنها را مستحب دانست.

در بین مذاهب فقهی اهل سنت، مالکیه و شافعیه همانند امامیه زکات عسل را واجب ندانسته‌اند اما مذهب فقهی حنفی و حنبلی زکات آن را واجب دانسته‌اند. در این صورت از نظر حنابله هرگاه مقدار عسل به ۷۵۰ کیلوگرم یا ۱۰ رطل

مالک شدن حیازت کننده، ملکه زنبورها یا زنبورها باید فاقد مالک باشند. از این رو در فرض عدم تحقق شرایط مزبور زنبورداری حلال نخواهد بود. از آنجا که بسیاری از زنبورهای عسل در جاهایی همچون کوه‌ها و درختان زندگی می‌کنند چنان که این نوع زنبورها فاقد مالک باشند، حیازت آنها به قصد مالک شدن حلال خواهد بود و زنبورداران می‌توانند با پرورش آنها از مزایا و فوایدشان برخوردار گردند.

هر گاه دو نفر به طور مشترک زنبور عسل را صید کنند هر دو در آن شریک هستند (۲۱).

ماده «۱۸۱» قانون مدنی نیز می‌گوید: «اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند زنبور عسلی که در آن جمع می‌شود ملک آن شخص است. همین طور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود».

با توجه به ماده مزبور اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند، زنبور عسلی که در کندو جمع شود ملک آن شخص است. منظور ماده مزبور از زنبورهایی که در اثر جمع شدن در کندو در ملکیت صاحب آن در می‌آیند زنبورهایی هستند که فاقد مالک باشند و در طبیعت آزاد زندگی کنند زیرا در این صورت زنبورها از اموال مباحه خواهند بود و جمع شدن آنها در کندوی دیگری حیازت آنها می‌باشد. ولی هرگاه از کندوی دیگری زنبورها فرار کنند و یا بچه آنها را از کندوی مادر خارج شده و در کندوی دیگری جمع شوند، مالکیت صاحب آن زایل نمی‌شود مگر آن که علم پیدا کنیم که مالک از آن اعراض نموده است (۲۰).

از دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت که به جواز بیع زنبور عسل تصریح نموده‌اند (۲۲) می‌توان نتیجه گرفت که از نگاه ایشان حیازت زنبور عسل مجاز و مباح است زیرا صحت بیع زنبور عسل فرع بر جواز و صحت حیازت آن می‌باشد.

۳-۵- پرداخت خمس و زنبورداری حلال

خمس زنبور عسل که فقه امامیه از آن سخن گفته است از جمله شرایط تحقق زنبورداری حلال می‌باشد. در توضیح این امر باید گفت که از نگاه مشهور فقهای امامیه، کندوی زنبور عسل همانند دیگر اموال در صورت فروش می‌تواند مشمول خمس شود مشروط به آن که: الف- از راه ارث و هبه به انسان نرسیده باشد. ب- پس از سال خمسی اقدام به فروش آن گردد. اگر در هنگام رسیدن سال خمسی آن را بفروشند، اموالی که از هزینه زندگی زیاد آمده‌اند خمس دارند. با این حال، مصرف متعارف عسل زنبور عسل برای خود و خانواده

أخذ من العسل العشر» (۳۵). پیامبر (ص) از عسل زکات گرفت.

۴- ردّ دلیل کسانی که به عدم وجوب زکات عسل باور دارند و گفته‌اند «عسل همانند شیر مایعی است که از حیوان خارج می‌شود. از سویی در زکات‌آور نبودن شیر اجماع داریم» (۳۲، ۳۴). ابن قدامه در رد این دلیل گفته است: «اصل شیر که حیوان چرنده است زکات دارد، بر خلاف عسل که زکات ندارد» (۳۳).

شیخ ابن عثیمین در پاسخ به پرسش «من از طریق عسل تجارت می‌کنم با علم به این که من پیوسته عسل می‌فروشم و عسل می‌خرم. آیا زکات آن بر من واجب است؟ اگر زکات دارد میزان آن زکات واجب چه اندازه است؟ و چگونه آن را ادا کنم؟» گفته است:

«از جهت آن که عسل می‌خرند و می‌فروشند، ایشان تاجر عسل هستند و همانند تجار به عنوان کالای تجارتی بر ایشان زکات واجب است. هنگامی که زمان پرداخت زکات فرارسید عسل را قیمت‌گذاری کنند و ربع عشر (یک چهارم) آن را زکات بدهند» (۳۶).

کمیسون دائم فتوا نیز در پاسخ به پرسش «آیا عسل زکات دارد یا نه؟» گفته است:

«عسل زنبور عسل زکات ندارد، اما اگر برای فروش تولید شده باشد، قیمت آن به دو شرط زکات دارد: الف- به اندازه نصاب برسد؛ ب- ۱ سال بر آن بگذرد. در صورت تحقق شرایط مزبور، زکات آن یک چهارم (دو و نیم درصد) می‌باشد (۱۱).

۶- شروط صحت بیع زنبور عسل

پیامبر (ص) مالکیت بر زنبور عسل را پذیرفته‌اند. این امر گذشته از مال بودن زنبور عسل حلال بودن زنبورداری را نتیجه می‌دهد. چنان که آن حضرت (ص) برای طایفه «ربیعیه» نوشته‌اند: «ان لهم اموالهم و نحلهم و رقیقهم و آبارهم و شجرهم و میاههم و سواقیهم و نبتهم و شراجهم و کل مال لآل ذی مرحب» (۳۷) اموال و زنبور عسل و برده‌ها و چاه‌ها و درختان و آب‌ها و نهرها و گیاهها و شراج (ظاهراً چوبی بوده که احتمالاً برای کشیدن آب از چاه از آن استفاده می‌شده است) آنها از آن خودشان است.

چنان که می‌دانیم از شرایط صحت بیع آن است که مبیع معلوم و تحویل آن به خریدار ممکن باشد. از این رو، فروش

عراقی برسد زکات آن یک دهم است. اما از نگاه حنفیه عسل نصاب خاصی ندارد؛ لذا به هر میزان که باشد باید زکات آن پرداخت شود (۳۰). ابوحنیفه گفته اگر عسل در زمینی به دست آید که خراجی نیست واجب است که یک دهم آن به عنوان زکات پرداخت گردد. امام شافعی در خصوص زکات‌آور بودن عسل و عدم آن دو دیدگاه دارد (۲۸). ابوحنیفه به این علت «خراجی نبودن زمینی که از آن عسل به دست می‌آید» را شرط زکات‌آور بودن عسل دانسته است که برای زمین خراجی باید خراج پرداخت. لذا اگر خمس عسل تولیدی آن را نیز واجب دانیم، موجب اجتماع دو حق در یک مال خواهد بود. حال آن که دو حق در یک مال جمع نمی‌شوند (۳۱، ۳۲).

۵-۴-۱- ادله عدم وجوب زکات عسل

فقهای اهل سنت که به عدم وجوب زکات در عسل باور دارند به دلایل چندی اشاره نموده‌اند که به شکل زیر مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱- درباره وجوب عسل روایت و اجماعی نداریم؛ این مندر به این دلیل اشاره نموده است.

۲- عسل مایعی چون شیر است که از حیوان خارج می‌شود، از سویی به اجماع فقهاء زکات شیر واجب نیست (۳۳).

چنان که در دلایل قائلان به وجوب زکات خواهیم دید، بر خلاف نگرش ابن منذر، قائلان واجب بودن زکات عسل به روایاتی استناد می‌کنند.

۵-۴-۲- ادله وجوب زکات عسل

فقهای اهل سنت که به وجوب زکات در عسل باور دارند به دلایل چندی استناد نموده‌اند، از جمله:

۱- عموماتی که به وجوب زکات اشاره دارند بین اموال فرق نگذاشته‌اند. از جمله آن عمومات عبارتند از: «خذ من اموالهم صدقة»^۵، «یا ایها الذین امنوا أنفقوا من طیبات ما کسبتم و مما أخرجنا لكم من الارض»^۶، «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا مما رزقناکم»^۷ و موارد مشابه.

۲- قیاس عسل به موارد زکات‌آوری همچون گندم، جو و میوه‌ها

۳- آثار و احادیثی که بر زکات‌آور بودن عسل دلالت دارند (۳۲، ۳۴). از جمله این احادیث حدیثی است که ابن ماجه از عمرو بن شعیب به نقل از پدر و جدش آورده است که «إنه

^۷ -البقره/ ۲۵۴

^۵ -البقره/ ۲۶۷

^۶ -البقره/ ۲۶۷

برخی از فقهای حنبلی بر این باورند که بیع زنبور عسل جایز نمی‌باشد زیرا مشاهده همه زنبورها ممکن نیست. از سویی زنبور در کندوی خود عسل دارد لذا مبیع معلوم نمی‌باشد (۳۳). از دیدگاه مزبور برمی‌آید که در هر حال زنبور عسل شرط معلوم بودن مبیع را ندارد، از همین رو بیع آن جایز نیست.

۷- جواز بیع عسل و شروط آن

با وجود اختلاف در حکم بیع زنبور عسل، در صحت و جواز بیع عسل اتفاق نظر است. با این حال معامله باید به گونه‌ای باشد که مشتمل بر ربا نباشد. از این رو، با توجه به مثلی بودن عسل فروش مقداری از عسل در مقابل مقدار دیگری از عسل مشروط به آن است که یکی از دو عسل افزون بر دیگری نباشد. اما فروش عسلی که از شکر یا انگور گرفته شده با عسل طبیعی زنبور جایز است، هر چند که مساوی نباشند و یکی افزون بر دیگری باشد (۴۷).

از نگاه امامیه فروش عسل تصفیه شده از شمع در برابر عسلی که از شمع تصفیه نشده است به صورت مساوی جایز است (۴۷). اما شافعیه از مذاهب فقهی اهل سنت جواز بیع عسل در برابر عسل را منوط به آن کرده‌اند که در هیچیک از آن دو عسل شمع وجود نداشته باشد و اشاره نموده‌اند که اگر شمع موجود در عسل به وسیله حرارت خورشید از بین برود فروش مقداری از آن در برابر مقداری مشابه از عسل دیگر جایز است. اما اگر شمع موجود در عسل به وسیله آتش آب شود و از بین برود در جواز و عدم جواز فروش آن در برابر عسل مشابه دو احتمال است. بر اساس یک احتمال فروش آن جایز است، اما طبق احتمال دیگر فروش آن جایز نیست (۴۸،۴). حنبلی‌ها نیز صحت بیع عسل در برابر عسل را به تصفیه آن از شمع درون آن مشروط کرده‌اند (۳۳).

چنان که عسل به بیع سلف فروخته شود، باید مشخصات آن از جهت منطقه، زمان، و رنگ در معامله ذکر شود و اگر بدون قید و شرط معامله شود باید عسل صاف و بدون موم تحویل خریدار گردد (۴۹،۱۶).

میرزای قمی از فقهای امامیه در این باره در پاسخ به پرسش «آیا بیت‌النحل (یعنی کندوی زنبور عسل) را یا زنبور آن را به سلف می‌توان خرید یا نه؟» گفته است: «هرگاه در عرف عام، با اهل خبره تواند شد که وصف ممیزی از برای اصل آن خانه مگس و مقدار آن مگس (گو ضبط عدد آن ممکن نباشد) و هم چنین مقدار عسل یا مومی که غالباً در آن

پرنده در هوا که اهلی نیست به دلیل عدم امکان تسلیم آن به مشتری صحیح نمی‌باشد زیرا گذشته از غرری بودن چنین معامله‌ای پیامبر (ص) فرموده است: «لاتبع ما لیس عندک» (۳۹،۳۸). مفهوم حدیث مزبور آن است که چیزی که بر آن سلطه کامل نداری را نفروش. همچنین فروش کالایی که میزان و چگونگی آن مجهول است صحیح نمی‌باشد.

با توجه به شروط مزبور گذشته از مشاهده زنبور عسل باید تحویل آن به خریدار ممکن باشد مثل آن که زنبور در کندو باشد و امکان فرار نداشته باشد (۴۲-۴۰). همچنین فروش زنبور عسل که در حال پرواز می‌باشد صحیح است مشروط به آن که آن را مشاهده کنند و تحویل آن به مشتری ممکن باشد (۴۳). همچنین فروش زنبور عسل که روی درختان جمع شده‌اند در صورت مشاهده و امکان تسلیم صحیح است (۱۳). صید و تسلیم ملکه زنبوران عسل به منزله صید و تسلیم و تحویل همه زنبوران می‌باشد.

از فقهای مذاهب فقهی اهل سنت، ابوحنیفه و ابویوسف فروش زنبور عسل را بدون کندوی آن جایز و صحیح ندانسته‌اند. دلیل قائلان عدم جواز بیع زنبور عسل آن است که زنبور همانند پشه است و به خودی خود فاقد منفعت می‌باشد. از سوی دیگر زنبور عسل از حشرات است که خوردن آن حلال نمی‌باشد. گذشته از این موارد، زنبور عسل همانند مار و عقرب دارای سم است (۴۴). اما محمد بن حسن شیبانی فروش زنبور عسل را مشروط به آن که محرز (در جایی جمع باشد) باشد صحیح دانسته است (۴۵). شافعی بیع زنبور عسل را به شرطی جایز دانسته است که متعاقدان آن را ببینند و در هنگام عقد در کندویش محبوس باشد (۲۲). دلیل جواز فروش زنبور عسل در فرض مزبور آن است که زنبور عسل به خاطر عسلی که تولید می‌کند حیوان سودمندی است. از سویی دلیل شرعی بر ممنوع بودن بیع آن نداریم. حلال گوشت نبودن زنبور عسل دلیل بر عدم صحت بیع آن نیست (۴۵).

مالک بن انس و احمد بن حنبل نیز بیع زنبور عسل را به شرط مشاهده شدن و محبوس بودن آن در کندو صحیح و جایز دانسته‌اند (۲۲). برخی از فقهای مذاهب فقهی اهل سنت بر این باورند که بیع زنبور عسل حتی در فرضی که بیرون از کندو باشد به شرط مشاهده آن صحیح و جایز می‌باشد زیرا زنبور عسل به مراقبت نیاز دارد. لذا حبس آن در کندوی خود موجب تباهی آن می‌شود (۴۶).

می‌باشد، تواند شد که جهالتی نماند، جایز است به مقتضای عموماً. و لکن وصف ممیز، در آن بسیار صعوبت دارد» (۱۴).

مذاهب فقهی اسلامی برای حلیت عسل به دلایلی از جمله آیه «أوحى ربّ إلى النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً...»^۸ استناد نموده‌اند (۳۱،۶). قشیری از فقهای شافعی ضمن اشاره به آیه یاد شده مباح بودن عسل را منوط به آن نموده که زنبور عسل از چیزی که حلال است بخورد. وی در این باره گفته است: «هرگاه زنبور عسل کار را انجام دهد و از آنچه که حلال است بخورد عسل وی پاکیزه می‌باشد و خداوند آن را موجب شفاء قرار می‌دهد» (۱).

منوط بودن حلیت عسل به آن که زنبور عسل از شهد حلال استفاده کند از دیدگاه‌هایی است که کمتر فقیه‌هایی به آن اشاره نموده و می‌تواند برای صنعت زنبورداری مورد استفاده قرار گیرد زیرا زنبور عسل به طور آزادانه از شهد هر گیاهی که بخواهد، گرچه آن گیاه دارای مالک باشد، استفاده می‌کند. اما چنان که منظور از شرط مزبور این باشد که مثلاً مقدار عسلی که برای زمستان زنبور عسل در کندو قرار داده می‌شود حلال باشد این شرط منطقی است. همچنین چنان که منظور از شرط یاد شده آن باشد که زنبور عسل برای درست کردن عسل از شکر حلال تغذیه کند. چنان که فقهای اسلامی به این نوع عسل و حکم آن اشاره کرده (۵۰) و از سویی به وجوب تغذیه حیوان از جمله زنبور عسل توسط مالک آن تصریح نموده‌اند منطقی است که شکر مزبور مال غیر نباشد (۱۲).

۸- نماز و روزه زنبوردار

زنبورداری از شغل‌های خوب و مجاز است. از نگاه فقه‌های امامیه چنان که زنبورداران برای زنبورداری به مسافرت بروند و از جایی به جای دیگر نقل مکان کنند نماز آنها در طول سفر تمام است و باید روزه نیز بگیرند. چنان که آیت الله گلپایگانی در پاسخ به پرسش «بنده شغلم پرورش زنبور عسل می‌باشد و در سال مدت ۸ ماه سیار هستم و زنبورها را این طرف و آن طرف می‌برم، گرچه زنبورها مدت اقامتشان از مدت ۱۰ روز زیادت است ولی خود من نه در خانه ۱۰ روز می‌مانم و نه در سر کار؛ مرتب در رفت و آمد هستم و در بین رفت و آمدها سفرهای اتّفاقی هم برایم روی می‌دهد و ۴ ماه زمستان هم که در منزل هستم در بین ۱۰ روزی که

۹- نتیجه‌گیری

از نگاه بیشتر مذاهب فقهی اسلامی، با توجه به فواید زیاد زنبور عسل در مواردی همچون عسل، موم، گرده‌افشانی، و مداوای برخی از بیماری‌ها در مالیت زنبور عسل تردیدی نیست. لذا می‌توان زنبور عسل را به شکل‌های گوناگون همچون بیع، اجاره، و حیات به دیگری انتقال داد. با این حال شرایط بیع همچون معلوم بودن عوضین باید تحقق یابد. امور چندی در تحقق زنبورداری حلال مؤثر هستند که از جمله آنها عبارتند از مالک بودن زنبوردار، معلوم بودن زنبور از طریق مشاهده، و پرداخت خمس و زکات آن. بدیهی است که رعایت موارد مزبور همراه با کار زنبورداری در طبیعت و هوای خوب به سلامت جسم و روان کمک می‌کند. تأکید فقها بر توجه به نفقه زنبور عسل و پیش‌بینی غذای زمستان آن با عسل و پرهیز از کشتن آن نشانگر آن است که از نگاه فقه اسلامی زنبور عسل همانند دیگر حیوانات و دیگر جانداران از حقوقی همچون حق حیات و مانند آن برخوردار است. تأکید برخی از فقهاء بر طیب و حلال بودن شهد گیاهانی که زنبور عسل از آنها استفاده می‌کند نشانگر اوج اهتمام فقه اسلامی به زنبورداری حلال می‌باشد.

۱۰- تضاد منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع نویسندگان و محققان در تعارض نمی‌باشد.

منابع

1. Qashiri ABH. Lataeif Al Isharat. 3rd edition. Cairo: The Egyptian Authority. 2000; 2: 306.
2. Vosughi F. The bee. 1375; 40: 12-46. (In Persian).
3. Mahmoud AR. Glossary of jurisprudential terms and expressions. Cairo. 1419; 3: 404.

22. Minhaji Siuti SADM. The jewels of contracts and the appointees of judges, signatories and witnesses. First edition. Beirut, Scientific Book House. 1417; 1: 53.
23. Nouri H. A thousand smells, one problem. Qom: The Promised Mahdi. 1388; 1: 61.
24. Ibn Boraj Trablosi QAA. Al-Muhazzab. First edition. Qom, Islamic Publications Office affiliated by Qom seminary teachers' community. 1406; 1: 178.
25. Ibn Idris Helli M. Al-Saraer. Second edition. Qom, Islamic Publications Office. 1410: 488.
26. Alaama Helli HBY. The rules of Ahkam in Halal and Haram points. First edition. Qom: The Office of Islamic Publications affiliated with Qom seminary teachers' community. 1413; 3: 118.
27. Sharif Morteza ABH. Al Intisar fi Infradat Al Imamah. First edition. Qom, Islamic Publication Office affiliated with Qom Seminary. 1415: 433.
28. Shafei MBE. Ketab al Um. Beirut, The House of Thoughts for Printing and Publications. 1403; 2: 41.
29. Alaama Helli HBY. Montahi Al Matlab. First edition. Mashhad: Islamic Research Forum. 1412; 8: 44.
30. Awayish HBA. The easy jurisprudential encyclopedia in the jurisprudence of the book and the purified Sunnah. First edition. 1423; 2: 10802.
31. Shahabi Khorasani M. The ages of Fiqh. 5th edition. Tehran: Printing and Publishing Organization. 1417; 2: 211. (In Persian).
32. Qarzawi Y. Fiqh Al Zakah. 426.
33. Ibn Qudamah ABA. Al-Moqni. First edition. Beirut, House of Thoughts. 1405; 2: 572, and 4: 155.
34. Sheybani MBA. Economic studies, opinions, and reflections on the jurisprudence of zakat. Al Bayan Magazine. 1418; 115; 40.
35. Ibn Majjah AAM. Sunan Ibn Majah. Egypt, The website of the Egyptian Ministry of Endowments. 1418; 8: 487.
36. Ibn Uthaymeen MBS. Ramadan sessions. 1410-1415: 8/23.
37. Ahmadi Mianji A. School of the Prophet. First edition. Qom, Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. 1419: 313.
38. Ibn Hanbal A. Musnad al-Imam Ahmad bin Hanbal. First edition. Beirut, Message Foundation. 1416; 24: 46.
39. Kashif Alghata MH. Tahrir Al Majalah. First edition. Nadjaf: Al-Murtazaviyeh Library. 1359; 1: 169.
40. Khomeini R. Tahrir Al-Wasileh. Qom, Institute of Islamic Publishing. 1414; 1: 495.
4. Mawerdi B, Abulhasan A. The great container in the jurisprudence of Imam Shafi'I. Scientific Book House. Beirut. 1419; 5: 222.
5. Tabatabaei Qomi ST. Dirasat min Fiqh Jaafari. Qom: Khayyam Press. 1400; 4: 101.
6. Hali Sivari MBA. Kenz al-Irfan in Qur'an jurisprudence. 1st edition. Qom: World Assembly of the Approximation of Islamic Religions. 1419; 2: 34.
7. Ibn Sidah. Al-Muḥkam wa-al-muḥit alazam. Cover 2. 1421. [In Arabic]
8. Sadeghi H, Sadeghi N. Journal of Halal Research. 1397; 1(1): 5-17.
9. Koleini MBY. Al-Kafi. Qom: Dar Al-Hadith for printing and publishing. 1429; 10: 74.
10. Najari R. Colorful healing honey, Qur'an and medicine essays collection, Part 2. First edition. Mashhad: Hozha Quranic Research Foundation. Publishing Institute and Shahid University. 1385; 2: 353.
11. Standing Committee for Scholarly Research and Issuing Fatwas, No Data, Fatwas of the Standing Committee. 10: 3822.
12. Rouhani Qomi MS. The jurisprudence of Sadiq. Qom, The School of Imam Sadiq. 1412; 22: 347.
13. A'ameli Hussaini SJ. Miftah al Kiramah. First edition. Qom: The office of Islamic publications. 1419; 12: 152.
14. Mirzaei Qomi A. Jame al-Shatt in the answers to the questions. First edition. Tehran: Keyhan Institute. 1413; 2: 68. (In Persian).
15. Toosi Shaikh MNH. Al Mabsout. 3rd edition. Tehran, Al-Murtaziah Library for the Revival of the Ja'afari Books. 1387; 6: 47.
16. Sabzevari AA. Mahzab Al Ahkam fi Bayan al Halal and Al Haram. 14th edition. Al Manar Institute, The office of Ayatullah. 1413; 23: 42.
17. Bahrani Y. Lush Gardens. First edition. Qom, Islamic publishing office affiliated with Qom seminary community of teachers. 1405; 25: 143, and 12: 354.
18. Ja'afari Langroudi MJ. Legal Terminology. 16th edition. Tehran: Ganj Danesh Library. 1385; 253. (In Persian).
19. Makarem Shirazi N. The Book of Marriage. First edition. Qom: The School of Imam Amir Al Mumenin. 1424; 7: 119.
20. Ansari Seniki ZBM. Description of Al-Bahiya al-Wardiyyah. Al-Maimniyya Press. 3: 456.
21. Golpaygani MR. The forum of Points. Second edition. Qom: The House of Quran Al Karim. 1409; 3: 111, and 1: 209-210.

47. Hashemi Shahroudi SM. Encyclopedia of Islamic jurisprudence according to the doctrine of Ahl al-Bayt (PBUH). Qom: The Circle of Knowledge Foundation Islamic jurisprudence based on the doctrine of Ahl al-Bayt (PBUH). 1423; 4: 347.
48. Omrani Yamani AY. Albayan fi Mazhab Al Imam Shafei. First edition. Jeddah: Dar al Minhaj. 1419; 5: 203-216.
49. Basri Bahrani ZMA. The word of al-Taqla, third edition. Qom: Seyyed Javad Varej publication. 1413; 2: 302.
50. Al-Nouwi M. The total in the polite explanation. Beirut, The House of Thoughts. 11: 96.
41. Alaama Helli HBY. Tahrir al Ahkam. First edition. Qom: The Institute of Imam Sadiq. 1420; 2; 464.
42. Najafi MH. Jawahir Al Kalam. 7th edition. Beirut, The House of Revival of Arab Heritage. 31: 394, and 2: 37, and 1: 61.
43. Alaama Helli HBY. Nahayah Al Ahkam. First edition. Qom: The Institute of Al Albayt. 1419; 2: 466.
44. Qaduri ABM. Al Tajrid Al Qaduri. Second edition. Cairo: The House of Islam. 1427; 2: 2607.
45. Baberti MBM. Al-Anaya description of guidance. Beirut, Dar Al-Katb. 1428; 9: 126.
46. Damiri KM. Hayat al Haywan. Beirut, Scientific Books House. 1424; 2: 464.

Halal beekeeping from perspective of Islamic jurisprudence

Morteza Rahimi*

- Department of Quranic Sciences and Law, Faculty of Theology, University of Shiraz.

Article history

Received: 21 January 2023

Revised: 30 January 2023

Accept: 31 January 2023

Keywords:

Halal beekeeping

Honey

Quran

Islamic jurisprudence

*Correspondance to:

Morteza Rahimi

Department of Quranic
Sciences and Law, Faculty of
Theology, University of
Shiraz.

Email: mrahimi@shirazu.ac.ir;

Tel./Fax: +98-71-36281000

Abstract

Background and objective: Beekeeping as a useful and profitable occupation is of importance in Islamic schools of jurisprudence. There are conditions and rules for beekeeping in Islam. The purpose of this research is to investigate beekeeping from the perspective of Islamic jurisprudence.

Materials and methods: This research was conducted by a descriptive analytic method using Quran and Hadiths and jurisprudential texts of Islamic jurisprudential religions.

Results and conclusion: It seems that according to the Islamic jurisprudential viewpoints, Quran, and Hadiths, honey bee is riches, and its wealth and ownership is envisioned. Therefore, it can be transferred to others by selling or renting. Other than the observance of sharia rules in beekeeping, its transactions must be done based on sharia rules. As a creature, bee has right to life and its killing is condemned. Moreover, some of its honey should be stored within the hive for its consumption in winter. Some of Islamic jurists stated that bee must be fed by Halal herbs that indicates strictness and importance of Halal beekeeping. Observance of beekeeping rules and bee rights is contributed to physical and mental health because honey, especially its natural type, has many healing and useful properties. In conclusion, beekeeping is important among Muslims due to its economic benefit and positive effect on mental health.

